

یغما

شماره مسلسل ۱۲۱

سال یازدهم

مردادماه ۱۳۴۷

شماره پنجم

از مسائل روز

دکتر عیسی صدیق

استاد دانشگاه - سناتور

عدلیه باید از بیخ و بن اصلاح شود

استاد بزرگوار جناب دکتر عیسی صدیق که در نیت خیر ایشان در امور کشوری هیچگونه تردید نمیتوان داشت ، راجع باصلاح دادگستری در مجلس سنا شرحی بیان فرمودند که تأثیری خاص داشت ، از آن جناب درخواست شد که بیانات خود را مرقوم دارند تا در مجله یغما چاپ شود و فکر و انشاء استاد ، شاگردان قدیم را درسی تازه باشد . اینک شرحی که نوشته اند بنظر خوانندگان گرامی میرسد .

تصور نمیکنم محتاج باثبات باشد که در ایران دستگاه قضائی مایه رضامندی نیست . همگی از نبودن عدالت می نالند . عده ای میگویند که عرض حال آنهاده پانزده سال در عدلیه مطرح است و در اثر طول محاکمه از هستمی ساقط شده اند . عده ای دیگر شکایت دارند که دادرسان مرعوب متنفذین هستند و از صدور حکم ترسان ، زیرا بیم آن دارند که بجان آنان صدمه زنند یا لااقل مقام آنها را تنزل دهند و باعث انتقال بنقاط کم اهمیت شوند . عده ای دیگر از نادرستی ضابطین عدلیه (ژاندارم و یاسبان)

یا ناهمی و تبانی مأمورین ابلاغ و اجرا شاکی هستند. عده‌ای هم از رشوه‌گیری برخی از اعضاء دادگستری یا کارشناسان بستوه آمده‌اند

علل شکایت و عدم رضایت بسیار است. آنچه بطور نمونه گفته آمد کافی است. چرا دستگاه قضائی با حاجات مردم را بر نمی‌آورد و مردم را ناراضی می‌سازد؟ - بنظر من مهمترین علت اینست که شالوده و اساس عدلیه، متناسب با اوضاع و احوال کشور و درجه رشد و فرهنگ عمومی ریخته نشده است. بانیان دستگاه قضائی ما سهل‌ترین و سریع‌ترین رویه را در ترجمه و اخذ قوانین و تشکیلات یکی از ممالک اروپای غربی دیده‌اند و فقط از ترس روحانیان متنفذ سعی کرده‌اند که احکام حتی الامکان با شریعت اسلام مخالف نباشد.

در ایران فقط یک پنجم جمعیت در شهرها سکونت دارند و چهارپنجم دیگر عبارتند از روستائیان و ایلات و عشایر که در چهل هزار قریه و آبادی پراکنده زیست می‌کنند. هنگامی که شروع به تأسیس عدلیه جدید کرده‌اند در حدود ده میلیون نفر در یک میلیون و ششصد و چهل هزار کیلومتر مربع که مساحت کشور ماست مسکن داشته‌اند و از این عده شاید یک درصد با سواد بوده‌اند. برای چنین مملکتی سه درجه دادرسی پیش‌بینی کرده و اصولی برای محاکمات و آئین دادرسی وضع نموده‌اند که نهصد ماده دارد! ضابطین عدلیه در اغلب نقاط وجود نداشته و آنجا هم که ژاندارمی - امنیه‌ای - پاسبانی - قراسورانی - آژانی احياناً بوده اغلب گرسنه و بی‌سواد بوده‌اند. قوانین مدنی و جزائی پیچ اندر پیچ و احياناً متناقض بحدی عرصه را تنگ کرده که با وجود داشتن هزار نفر دادرس، باز سالی شصت هزار پرونده را کد و در بونته اجمال می‌ماند و مجال رسیدگی بدانها حاصل نمیشود! در بسیاری از نقاط یک برزگر که بوی اجحاف و تعدی کرده‌اند باید برای دادخواهی صد کیلومتر راه پیماید تا بدادگاه رسد و اگر بمزرعه خود باز گردد بز و گوسفندش از دست رفته و شاید ناموشش مورد تجاوز قرار گرفته است. در شهرها بعضی از وکلای دادگستری که نفع خود را در اطالۀ محاکمات میدانند با انواع وسایل و دسایس تشبث می‌جویند و کسی نیست که آنها را متوجه مسؤولیت خود کند. برخی دیگر اگر با طرف دعوی ن سازند و موکل

خود را محکوم ننمایند کاسه صبر اورا لب ریز و بسازش مجبور می کنند .

باین تشکیلات و این قوانین و این عوامل چگونه انتظار دارید که عدل و داد

در این کشور گسترده شود و حقوق مردم محفوظ بماند ؟

قوانینی که برای هر کشور وضع میشود و سازمانی که بوجود می آید باید

متناسب با آن مملکت باشد - مانند لباس برتن . اگر جامه ای برای مرد سی ساله باقامت

بلند دوخته شده باشد و بخواهند بر تن کودکی چهار ساله کنند آیا بنظر شما

مضحک نیست ؟

خوراك بوقلمون و كملت گوساله که برای جوان برومند بسیار مطبوع است

آیا میتوان بطفل شیرخواره داد ؟

معذلك عدلیه ای که برای ما بوجود آورده اند شبیه است به لباس مرد سی ساله

برتن کودک چهار ساله یا خوراك بوقلمون برای طفل شیرخواره !

مؤسسين داد گستری باید احتیاجات و مقتضیات کشور را در نظر بگیرند یعنی

به بینند اوضاع جغرافیائی و اجتماعی و اقتصادی کشور چگونه است - درجه رشد مردم

چیست - چه عواملی برای اجرای عدالت میتوان فراهم کرد - چه وسایل و منابعی

در دست است - سوابق قضائی چه بوده و چگونه میتوان از آن استفاده کرد - در

ممالکی که از حیث سابقه و رشد ملت با ما شباهت دارند چگونه اصول عدالت برقرار

گردیده و چه نتیجه ای بدست آمده است .

چون در عدلیه جدید هیچ يك از این نکات در مد نظر نبوده دستگاهی که

بوجود آمده بدرد مردم این دیار نمی خورد - ازینرو است که دولت ناگزیر است

هر چند صباح لایحه جدیدی به مجلس تقدیم کند و اصلاح کوچکی در یکی از گوشه

ها پیشنهاد کند مانند لایحه تشکیل دادگاه های سیار - لایحه مربوط بایلات و عشایر -

لایحه اصلاحات جزائی در آئین دادرسی مدنی .

لابد می پرسید راه چاره چیست ؟

البته بعضی از مردمان خیرخواه راههایی برای رفع بعضی از نقائص پیشنهاد

کرده اند ولی بعقیده من عدلیه باید از بیخ و بن اصلاح شود . در این باب در ظرف

هشت سال اخیر من نظر خود را در مجلس سنا بیان داشته‌ام و دولت‌ها نیز وعده اقدام داده‌اند ولی تاکنون نتیجه مثبت و محسوس حاصل نشده است. اکنون که بفرمان شاهنشاه، وزیر جوان و فعالی کمر همت بسته و می‌خواهد قدم اساسی در این راه بردارد بيمورد نیست آنچه گفته‌ام در اینجایبیاورم تا در صورتی که پیشنهادم قرین صواب باشد صاحب نظران با من هم آواز شوند و نتیجه مطلوب بدست آید.

من قانون معین یا طرح مخصوصی را پیشنهاد نمی‌کنم زیرا در امور عدلیه وارد نیستم و فقط بحکم عقل سلیم که هر ذی شعوری داراست نظر خود را عرضه می‌دارم. بعقیده من باید هیئتی از دادرسان برجسته و علمای حقوق که واجد شرایط مذکور در ذیل باشند در مدت کافی، در جای آرام و خارج از هیاهوی ارباب رجوع، اساس دادگستری ما را مورد بررسی قرار دهند و طرحی نو بریزند که با رشد فکری و سوابق تاریخی و قضائی و اوضاع جغرافیائی و احتیاجات کشور ما تطبیق کند و آن طرح پس از تصویب قوه مقننه ملاک و مأخذ قرار گیرد. البته در پنجاه سال اخیر کمیسیونها برای عدلیه تشکیل شده ولی اکثر اعضای آنها حائز شرایط و اختیار نبوده‌اند و بهمین جهت و عوامل دیگر (که از همه مهمتر عدم ثبات دولتها بوده) بوصله و پینه پرداخته و باساس کار توجه نداشته‌اند. آن شرایط چیست؟ بنظر من سه شرط عمل باید در اعضاء هیئت بررسی موجود باشد.

نخست آنکه اعضاء هیئت در وضع فعلی ذی نفع نباشند. بسیاری از اعضاء دادگستری و جمعی از وکلا از وضع کنونی نفع می‌برند و از این راه دارای تمکن و ثروت شده‌اند. عده آنها بحدی زیاد شده که میتوان بجرأت گفت که طبقه خاصی در پنجاه سال اخیر بوجود آمده که از دستگاه فعلی دادگستری منتفع میشوند و با تمام قوا در حفظ آن بنحوی که هست می‌کوشند. بنابراین خطاست که توسط آنها طرحی ریخته شود یا طرحی که آماده شد بتصویب آنها برسد، زیرا آنها تصور میکنند که با تغییر دستگاه و اصلاح طرز عدالت منبع درآمد آنها خشک خواهد شد در صورتیکه این طور نیست و اگر در مملکت عدالت واقعی برقرار شود همگی از برکت آن فیض می‌برند و همگی دارای ثروت مشروع خواهند شد.

بدیهی است اگر از این دسته کسی بهیئت بررسی دعوت شود هم خود را در حفظ وضع کنونی صرف خواهد کرد چنانکه در گذشته اغلب لوايح توسط همین دسته تهیه شده یا مورد تصویب همین دسته قرار گرفته و بادامه و ثبیت وضع فعلی کمک کرده است.

دومین شرط عضویت در هیئت بررسی باید این باشد که لااقل دو سه زبان خارجی را خوب بدانند و بچند نوع داد گستری آشنا باشند. کسانی که تنها بیک نوع تشکیلات و قوانین آشنائی دارند فکرشان محدود و افق دیدشان کوچک است و تصور میکنند دستگامی که می‌شناسند نوع کامل عدالت گستری است و تنها راه اصلاح، سرمشق قرار دادن آن دستگاه است؛ در صورتیکه این طور نیست و برای رسیدن به هدف معین راههای مختلف هست و هر ملت بر حسب اوضاع و احوال خود طریقی برای نیل بآن هدف برگزیده است که درخور مطالعه و بررسی است.

بنیان گذاران عدلیه مظاهراً بیک نوع داد گستری را دیده بودند و بهمین جهت سعی کردند همان نوع در ایران معمول دارند و این عیب بزرگی است که باید از آن اجتناب کرد.

ممالکی که عدلیه آنها باید حتماً مورد بررسی قرار گیرد و اعضای هیئت از آنها کاملاً آگاه باشند عبارتند از هندوستان و عراق و ترکیه و مصر، زیرا این ممالک از لحاظ و جهات متعدد با ایران مشابهت دارند و تا آنجا که من اطلاع دارم موانع بزرگی که در اجرای عدالت در کشور ما موجود است در آنها وجود ندارد. در هندوستان هیچ محاکمهای بیش از شش ماه بطول نمی‌انجامد هیچ کس نمیتواند مانع اجرای حکم محکمه شود و در تمام آبادیهای آن شبه قاره عظیم وسیله دادرسی تا حدود معینی فراهم است. در عراق مطابق مشهودات جناب آقای علی هیئت رئیس سابق دیوان کشور حداکثر مدت دادرسی چهار ماه است و قوانین آنجا ساده و آئین دادرسی بسیار مختصر و بی تشریفات است.

سومین شرط عضویت در هیئت بررسی باید عدم اعتیاد بدستگاه فعلی باشد. کسانی که سالیان دراز در داد گستری خدمت کرده‌اند بحکم وظیفه به تشکیلات

وقوانین فعلی خو گرفته‌اند و برخلاف عقل و عدالت است که از آنها طرح نو و اساس جدید خواسته شود. نباید متوقع بود که آنان با طرح و شالوده جدید موافقت کنند. عادت همیشه یکی از موانع ترقی بوده و در تاریخ تحول ملل مکرر دیده شده است که جمعی بعلت اعتیاد بوضع معینی - بروش خاصی - بسازمان معلومی مانع تغییر و ترقی شده و دلایلی برای عمل خود تراشیده‌اند. این گونه اشخاص در مقابل اصلاحات ایستادگی می‌کنند و طبعاً محافظه‌کارند و عضویت آنها در هیئت بررسی رادع نیرومندی برای طرح ریزی خواهد بود.

ممکن است گفته شود که تمام قضات به تشکیلات و قوانین عدلیه عادت دارند و بنابراین نمی‌توان از آنها اشخاصی را برای هیئت بررسی انتخاب نمود. بنظر من چنانچه دادرسی در رشته قضاوت بحقوق تطبیقی آشنا باشد و مطالعه را هم از دست ندهد کمتر جمود فکری خواهد داشت و اینگونه قضات با داشتن سایر شرایط کمتر اسیر عادت میگردند.

راهی که من در اینجا پیشنهاد کرده‌ام در جلسه ۲۶ خرداد مجلس سنا بطور مختصر اظهار داشتم و آقای وزیر دادگستری در جواب من اطلاع دادند که هم اکنون سه کمیسیون برای تجدیدنظر در قوانین مدنی و جزائی و تجاری در وزارت دادگستری تشکیل یافته است.

بدیهی است که مقصود من تنها تجدید نظر در قوانین فعلی نیست. این کار سابقاً چندبار صورت گرفته و نتیجه محسوس نداده است. منظور من چنانکه در این مقاله گفته آمد ایجاد عدلیه‌ای است که بدرد مردم بخورد. در این صورت تشکیل کمیسیون از اشخاصی که واجد شرایط مندرج در این مقاله نباشند با تکالیف و اختیارات محدود به تجدیدنظر در قانون معینی ما را به هدف و مقصود نمی‌رساند.

امیدوارم زمامداران امور به کینه معایب و مفاسد پی ببرند و نظریاتی که در اینجا فقط برای خیرخواهی ابراز شد با اصلاح واقعی دادگستری و بسط عدالت کمک و یاری کند.

لويزان - ۷ تیر ۱۳۳۷

عیسی صدیق